

بنام خداوند بخشنده مهربان

دگرگشت واجها
در زبان پارسی و اربی

ویراسته یکم

۱۳۹۸

کاوه [Habib] مهنرنا

سرشناسه : مهرنیا، کاوه [حبیب]، ۱۳۲۸
 سرنامه و نام پدیدآور : دگرگشت واج‌ها در زبان پارسی و اربی / نویسنده: کاوه [حبیب] مهرنیا
 ویژگی‌های انشرا : یزد: [انتشارات] اندیشمندان یزد، ۱۳۹۸
 ویژگی‌های آشکار : ۷۶ دیمه: : نمایه و دستریک
 [شابک] : ۹۷۸-۶۰۰-۴۸۴-۱۶۶-۵
 چگونگی فهرست‌نویسی : [افیا]
 جستار : فارسی - واج‌شناسی [Persian Language-Phonology]
 جستار : اربی - واج‌شناسی [Arabic Language-Philology]
 رده‌بندی : ۲۷۰۱ PIR
 رده‌بندی : ۴۱/۵
 شمار کتابشسی : ۵۸۳۷۷۱۸
 شماره پروانه کتب : ۲۸۵-۹۸

دگرگشت واج‌ها در زبان پارسی و اربی

- ✧ نویسنده: کاوه [حبیب] مهرنیا
- ✧ [ناشر]: [انتشارات] اندیشمندان یزد
- ✧ سرپرستی چاپ: [سید محمد موری]
- ✧ دیمه‌آرا: [آتنا] ماندی
- ✧ [شابک]: ۹۷۸-۶۰۰-۴۸۴-۱۶۶-۵
- ✧ چاپ نخست: پاییز ۱۳۹۸
- ✧ بها: ۲۰۰۰ [تومان]
- ✧ شمارگان: ۱۰۰۰ پوشینه



نشانی [ناشر]: یزد، خیابان فرخی یزدی، بازارچه ۱۱۰، [انتشارات] اندیشمندان یزد
 [تلفن] ۰۹۱۳۳۵۶۶۶۷۲-۰۳۵-۳۶۲۶۹۳۳۰

فهرست

- ۵- «دیباچه»
- ۹- «رازگشایی از چند نشانهٔ بکاررفته در این دفتر»
- ۱۰- «آنچه از توانایی دگرگشت واج‌ها که در «فرهنگ فارسی» سرورم رتو [عمید] آورده شده است؛ و نیز هزواش نگارنده در بارهٔ برخی از آنها»
- ۱۴- «آنچه از توانایی دگرگشت واج‌ها که در «فرهنگ فارسی» سرورم رتو [معین] آورده شده است؛ و نیز نیابوده «فرهنگ بزرگ سخن»
- ۱۶- «در ترمین‌رویم سخن به «برهان» [قاطع] می‌زنیم»
- ۲۴- «داستان آورده می‌شود که سرورم رتو «دهخدا» از توانایی دگرگشت واج‌ها به یکدیگر در زبان پارسی و اربی»
- ۲۶- «دستریک توانایی دگرگشت واج‌ها از واج‌های پارسی به واج‌های دیگر پارسی»
- ۲۸- «نمونه‌ای اندک از توان دگرگشت واج‌ها و واجواکه‌های «ا» و «ب» و «و» و «ی» به یکدیگر، و نیز به واکه‌ها یا وارون آن، و هم‌واکه‌ها به کاه‌های دیگر، در زبان پارسی»
- ۴۰- «نمونهٔ واژه‌های پارسی نشانگر دگرگشت واج‌ها به واج‌های دیگر در زبان پارسی؛ از «ب» تا «ی»»
- ۵۶- «دستریک چند و چون دگرگونسازی واج‌های اربی و پارسی به واج‌های دیگر اربی در خود زبان اربی بدست خود ارب، و یا در میان خود فارسی‌زبانان اربی‌نویس و اربی‌ساز»
- ۵۸- «نمونهٔ واژه‌های اربی یا پارسی نشانگر دگرگشت واج‌ها به واج‌های دیگر در زبان اربی؛ از «ا» تا «ی»»
- ۷۳- «دستریک دگرگشت واج‌ها در زبان پارسی»
- ۷۴- «دستریک دگرگشت واج‌ها در زبان اربی»

دیباجه

دوازده سال است که نگارنده به شونیدی گوشه تنهایی برگزیده‌ام. ولی از همان روز نخست این دوازده سال دمی هم به بیکاری و بیهودگی نگذرانده، و همه شبانه‌روزم را در پای اندیشه سره‌سازی زبان پارسی نهاده‌ام، و در پای نوشتن چندین راز و در چندین دفتر دیگر در پیوسته به همین نهشته سره‌سازی. از سوی دیگر همه نوشته‌های من در این واره از زندگیم به زبان سره پارسی است و بدور از کار داری و ازگان ناپارسی؛ مگر اینکه خود سخن در باره یک واژه ناپارسی باشد، که در چنین هنگامی نام بردن از آن واژه بیگانه روا است و چیزی از سر بردن خود نوشتار نمی‌کاهد. هرآینه همان اندیشه سره‌سازی زبان پارسی همین شیوه نگارش است که بسیاری از رازهای زبان پارسی و دایم می‌نهیسته در زبان پارسی را بر من آشکار کرده است. روشن است که بسیاری از این آشکاری‌ها به هنگام کار بر روی سرواژه‌های ناپارسی رخ نموده‌اند، چنانکه در پانویست بیشتر سرواژه‌ها هزوارشی آورده‌ام که گاهی بلندی آنها به ده دوازده دیمه می‌رسد. آگاهی در باره توانایی دگرگشت واج‌های پارسی به برخی واج‌های دیگر پارسی و گردآوری و یافتن تک تک آنها

نیز دستاورد همان هزوارش‌های آمده در پای سرواژه‌های گوناگون در دفترهای گوناگون است. دانستن این توانایی‌ها و پرداختن به آنها به اندازه‌ای برجسته است که می‌پندارم اگر ازین‌پس واژه‌نامه و دفتر دستور زبانی نوشته شود که دربردارنده دستریک این توانایی‌ها نباشد، چیزی خواهد بود بیهوده و بدردخور. دانستن این توانایی دگرگشت راج‌ها به یکدیگر، مایه شناخت چگونگی پدیداری واژگان پیشین و دیداری واژگان نوین در جهان آینده واژه‌سازی ما است به‌آهنگ شکر فایه. بالندگی و سرافرازی زبان پارسی. درین راستا شناخت این توانایی‌ها در زبان اربی هم نزدیک به همان اندازه ارزشمند است و برجسته. ازیرکه با دانستن همین توانایی‌هاست که درمی‌یابیم یک واژه پارسی چگونه به‌درون زبان اربی راه یافته است، و چسان می‌توانیم بار دیگر آن واژگان را باغوش ما، زبان میهن برگردانیم، بی‌آنکه بخواهیم اربی‌شده آنها را از زبان اربی بستانیم. ولی ایکاش می‌شد که زبان اربی می‌آمد و می‌گفت واژگار اربی مرا به من پس بدهید! زیرا ۹۹٪ گرفتاری ما در سره‌سازی زبان کنونی عاری، ازین جایگزین پارسی برای واژگان اربی راه‌یافته به‌درون زبان پارسی است. یک سودمندی شگرف دیگر شناخت توانایی‌های یادشده، بازپس‌گیری واژگان ربوده‌شده از زبان پارسی است. نگارنده واژگانی را «ربوده‌شده» می‌نامد که نه زبان وام‌گیرنده خستو شده است که بهمان واژه برگرفته از زبان پارسی است، و نه خودمان از پارسی بودنش آگاهی داریم، و بیخود و بیجا و ناآگاهانه چنین واژگانی را اربی یا یونانی یا ترکی یا فرانسوی یا انگلیسی و یا چه و چه می‌دانیم! نیز به‌یاری همین داتم آمده در این دفتر و داتم‌های دیگر نهفته در زبان پارسی می‌توانیم انبوهی از واژگان

ناپارسی را که ساختارشان با ساختار واژگان زبان پارسی هماهنگ است، در خود زبان پارسی پدید آوریم و پس از پدیدآوری هم آنها را پارسی بدانیم و بکار گیریم. خوبی اینگونه پدیدآوری‌ها در آن است که رنج مردم خوگرفته ما به واژگان بیگانه را بگاه سره‌سازی زبان پارسی کمتر می‌کند. کس متذکر می‌شود که چنین چیزی شدنی نیست. او بهتر است ببیند آیا روا است که موشک بر ساخته ایران را همچنان بر ساخته دیگران بدانیم؟ یادآور می‌شوم که همینجا هم این نگارنده انبوهی از موشک‌های زبان پارسی را ساخته‌ام، و از واژگان ربوده‌شده از زبان پارسی را به دامان زبان پارسی بازگردانده‌ام، و دهی از واژگان پارسی برابر با واژگان ناپارسی اندر شده به درسی زبان پارسی را گردآوری، یافته، و یا زنده کرده‌ام، و تک‌تک آنها را نیز بگسردگی هزاریده‌ام. بکارگیری آنها در گفتار و نوشتار، و بسا در نوشتار سره هنگامی شدنی است که آن واژه‌نامه‌ها و دیگر نوشته‌هایم بچاب برسد و با آگاهی همگان برسد، و از آن پس هزاران ایرانی دلداده زبان پارسی به زبان این اندیشه بیایند، و هم به یاری بیایند دانشمندان زبان‌شناسی که نتوانسته‌اند خود را در اندازه خاک پای آنان هم نمی‌داند. ولی بیایند تا چه شود؟ به این دو واژه‌نامه مادر و بنیادین و سترگ «ناپارسی به پارسی» و «پارسی به پارسی» نوشته شود. زیرا اگر این نگارنده نانویشای بی‌نام و نشان بخواهم به تالیف این دو واژه‌نامه را بنویسم، آنگاه می‌بایست پس از این هفتاد سالگی هم دست کم تا ۱۲۰ سال دیگر با همین توان بپایم!

باری، سخن در این زمینه‌ها بسیار است و این دیباچه گنجایش آوردن همه آنها را ندارد. پس تنها بگویم که این دفتر کوچک نشان‌دهنده تنها یکی از توانایی‌های نهفته در زبان پارسی است، و نشانگر همه توانایی‌ها

در زمینه دگرگشت واج‌ها به یکدیگر که این نگارنده به یاری فرهنگ سرورم رتو «دهخدا» یافته‌ام و یافته‌های خود را نیز به آنها افزودم تا شده است آن چیزهایی که در پی می‌آید و چکیده آنها نیز دو دستریک زیبا و شگرف و فراگیری است که تاکنون کسی در زبان پارسی و اربی همانند آنها را بدینسان یکجا و ساده و روان و گویا ندیده است.

بالینهمه خستو هستم که چه بسا آورده‌های این دفتر تهی از کاستی و نادبستی نباشد، و هراچه از اینگونه نیز که در این دفتر دیده شود، گناهش بر گردن من است. پس من و این دفتر هردو نیازمند بخشش و راهنمایی رندران بزرگانیم.

در پایان بایست گفتار است که از دید این نگارنده هر یک از سرزمین‌ها و زبان‌ها گویش‌های این گیتی گلی از گلزار بهشت جهانند، و نبود هر یک از آنها از رنگ و بو و طعم این بهشت زیبا می‌کاهد. ازینرو منی که خود گویش مادری جداگانه‌ام از فارسی کنونی دارم، می‌پندارم این هوده من ایرانی است که یکی از گن‌های بهشت، زیبا را به انگشت اندیشه و میهن پرستی نشان دهم و بگویم دم این گل «ایران» است و زبان بنیادین مردمانش «پارسی»!

ی‌زد

پایان ۱۳۹۸

کاوه [حبیبی] مهرنیا